

جان اشترن

قانون سکوت، انتقاد از اسرائیل را خفه کرده است

ترجمه از فرانسه به روز عارفی

فرانسه- اسرائیل. لابی، آری یا نه؟ (بخش دوم)

امروزه، انتقاد از اسرائیل در فرانسه، مأموریت خطرناکی است و این کار، دست کم به ظاهر، برای کسانی که تلاش می کنند حتی طرح هر پرسشی درباره سیاست حکومت اسرائیل را ناحق نشان دهند، پیروزی بزرگی است. ایده روشن است: به فراموشی سپردن سرنوشت فلسطینی ها به سود روابط سیاسی و اقتصادی نوپا. و با این همه، افکار عمومی فرانسه با این نقطه نظر سازگار نیست.

« پاسخ هائی که از مخاطبان می شنوید، به قرار زیر است: «من بیش از حد وراجی کردم»، «در مورد این موضوع صحبت نمی کنم»، «می خواهید چه پاسخی به شما بدهم؟»، «حتما درک می کنید، که در زمان حال، تمایل ندارم با شما گفتگو کنم»، «شما حق دارید، اما جنگ مغلوبه شده»، و دوستانه ترین پاسخ این است: «در پژوهش تان موفق باشید». صرف گفتگو با صاحبان رای، نمایندگان منتخب مردم، کارفرمایان، روزنامه نگاران و روشنفکران، درباره روابط بین اسرائیل و فرانسه یا درباره لابی احتمالی (زیرا حتی استفاده از این واژه ایجاد بحث می کند) که در دفاع از اسرائیل تلاش می کنند، مترادف با قبول خطر انزوای شدید است. برای تهیه این گزارش و بررسی، از طریق ای میل و تلفن و در فاصله فوریه و نوامبر ۲۰۲۰، با تقریبا دویست نفر تماس گرفتم. کمتر از سی نفر به پرسش های من پاسخ دادند.

یعنی، مزاحم نشوید، حرفی برای گفتن نیست.

هشتمین فروشنده اسلحه در جهان

با وجود این، روابط بین فرانسه و اسرائیل داستان درازی است که به منشاء صهیونیسم برمی گردد و با تاسیس دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸، پیشرفت تازه ای یافت. برای بسیاری از شاهدان روشن بین، سیاست کنونی اسرائیل تاسف آور است. رونی برومن ارزیابی می کند که «رویای صهیونیستی چه زائید؟ ماشین های زرهی کاترپیلار و سیستم مراقبت مخالفان».

واقعیتی که بر ارقام استوار است: برطبق آمار «انستیتوی پژوهش های بین المللی استکهلم» (SIPRI)، اسرائیل هشتمین فروشنده اسلحه در جهان است و سهم این کشور در این بازار دائما در حال افزایش است. به گزارش «سپیری» (International Peace Research Institute)، فروش سه شرکت تسلیحاتی کشور، «البت سیستم» (Elbit Systems)، «صنایع فضائی اسرائیل» (Israel Aerospace Industries) و «رافائل» (Rafael) در سال ۲۰۱۸ از ۷/۸ میلیارد دلار (۷ میلیارد یورو) تجاوز می کند و هر سه شرکت در فهرست صد کمپانی بزرگ تسلیحاتی جهان که استیتوی سوئدی تنظیم کرده، قرار دارند.

رونی برومن در سال ۱۹۵۰ در بیت المقدس متولد و بزرگ شده است. او که پزشک است، مدت ها رئیس سازمان «پزشکان بدون مرز» بود و سپس نظریه پرداز خدمات نیکوکاری اضطراری انسانی گردید، او را وجدان بزرگ می نامند (امیدوارم که به خاطر این واژه، دلخور نشود). او مردی باز و کنجکاو است و در سال ۱۹۹۹ با همکاری ایال سیوان، فیلم برجسته مستندی درباره دادگاه آدولف آیشمن به نام «یک متخصص» با اقتباس از اثر هانا آرنهت، «آیشمن در اورشلیم» ساخته اند. او توضیح می دهد: «اسرائیل تنها کشور راست افراطی آشکارا نژادپرست است که به مثابه یک دموکراسی مورد تجلیل قرار می گیرد. این امر، یک موفقیت دیپلماتیک ویژه ای برای اسرائیل است، اما موفقیتی قابل تردید: زیرا یهودیان آمریکا با سرعت زیاد از طرفداران اسرائیل دور می شوند، از پرچم اسرائیل و جمع آوری کمک مالی برای ارتش اسرائیل در کنیسه های آمریکا خبری نیست و برای شمار فزاینده ای از یهودیان در سراسر جهان، این مسئله، مخصصه ایجاد می کند».

«تروریسم» فلسطینی

و نه فقط در فرانسه و ایالات متحده. گوندال روئیبار، نماینده مجلس شهر لوریان واقع در استان موربیان، از حزب

«جمهوری به پیش» می گوید: «یک احساس بی عدالتی وجود دارد که بسیاری از نسل جوان عرب آن را حس می کنند و این واقعیت در این منطقه از جهان بسیار اهمیت دارد. این امر، رنجش و بُغضی ایجاد کرده است. وقتی این را می گویم، تصور می کنم که یکی از جنگجویان قدیمی هستم، درحالی که این گفتمان، حاکی از نوگرایی کامل است. با این حس بی عدالتی نسبت به حقوق فلسطینی ها، چنین درک غلط و چنین تحقیرهایی را ناچیز می شمیریم، در حالی که نادرست است به اثرات تصمیم های سیاسی در کشورهای عربی اهمیت ندهیم. کشمکش اسرائیل-فلسطین حاشیه ای نیست، مسئله ای مرکزی است.»

و باوجوداین، لابی طرفدار اسرائیل و هواداران آن هرکاری می کنند تا آن را معمولی نشان داده، به فراموشی سپرده و حلقه ای از نبردگسترده بین تروریسم اسلامیست و غرب قلمداد کرده، و به حاکی تشبیه کنند که در آن هر گونه ای از یهودی ستیزی با پوشش ضدصهیونیسم رشد می کند – که از سوی دیگر بهبود خواهد بود که وزنه آن را نادیده گرفت-.

در طول بیست سال، جدول تجزیه و تحلیل غالب در مناقشه تغییر یافته است. از این پس، طرفداران اسرائیل، مبارزه خلق فلسطین علیه اشغال را به عنوان یکی از شکل های تروریسم نشان می دهند. اسرائیل سیستم های مراقبتی را که startup nation، همان طوری که برومن می گفت، در سرزمین های اشغالی علیه فلسطینی ها آزمایش کرده است، در سراسر جهان، به کشورهای نظیر چین و یا عربستان سعودی که حتما نمونه های دموکراتیک نیستند، خواهد فروخت.

«لابی یهودی وجود ندارد»

نباید این نکته را فراموش کرد که از پایان قرن نوزدهم، یهودیان بسیاری با صهیونیسم سیاسی به مخالفت برخاسته اند، و پیش از همه فعالان کمونیست و [سندیکای] بودند (۱)، یا مارتین بوپر، فیلسوف بزرگ و دانشمند الهیات یهودی آلمانی که معتقد بود که بدون عرب ها نمی توان دولتی در فلسطین ایجاد کرد و برای دولتی واحد و خیالی مبارزه می کرد که امروز، به رغم بیش از ۷۰ سال مستعمره سازی، امکان عملی شدنش می رود. بوپر که اثر عمده اش با عنوان «من و تو» مارتین لوتر کینگ را تحت تاثیر قرار داد، با شخصیت فوق العاده اش، نمی توانست صهیونیسم را بدون عدالت تصور کند و در «یک سرزمین و دو خلق» (که در سال ۱۹۸۵ انتشار مجدد یافت) با همه نیرویش می نوشت: «آن چه "کتاب مقدس" به سادگی و با قدرت به ما می آموزد، که در هیچ کتابی نمی توان آن را یادگرفت، این است که حقیقت و دروغ وجود دارند و موجود انسانی ناگزیر است جانب حقیقت را بگیرد؛ که عدالت و بی عدالتی وجود دارند و رستگاری انسانیت در گزینش عدالت و طرد بی عدالتی است.»

اما کسی حق ندارد «مخمصه» ای که برومن از آن صحبت می کند (و چند نفر دیگر در فرانسه، و تعداد کسانی که حاضر به اعلام موضع درملاء عام هستند، کمتر و کمتر می شود، درست برخلاف ایالات متحده). «بی عدالتی» که گویندال روئیبار و چند نماینده دیگر مجلس را به عصیان می آورد (تعدادشان بیشتر از آن است که می توان فکرش را کرد، ولی ساکت هستند)، را بر زبان آورد زیرا جریان مساعد با اسرائیل بر بحث های عمومی مسلط است. امروز، انتقاد از اسرائیل ماموریت خطرناکی است، و دست کم به ظاهر، برای کسانی که تلاش می کنند حتی حقانیت خود اصطلاح را از آن بگیرند، موفقیت بزرگی است. برای مثال، پاسکال بونیفاس، در سال ۲۰۰۳ «آیا مجاز است از اسرائیل انتقاد کنیم؟» را منتشر کرد (انتشارات ژیر لافون). مدیر انستیتوی روابط بین المللی و استراتژیکی (IRIS) در این کتاب می نویسد: «لابی یهودی وجود ندارد، زیرا جماعت یهودیان فرانسه گونه گون است»، اما یک «لابی طرفدار اسرائیل وجود دارد، که در آن، البته یهودیان وجود دارند و همچنین کسانی که یهودی نیستند».

پاسکال بونی فاس، هنگامی که امروز صحبت می کند، ملاحظه می کند که «هیچ چیز تغییر نکرده، اما نسبت به هفده سال پیش وضع بغرنج تر شده است. بحث ها سخت تر شده اند. من در سال ۲۰۰۳ برای انتشار "آیا مجاز است از اسرائیل انتقاد کنیم؟" با مشکلاتی روبرو شدم، اما در سال ۲۰۱۱ برای انتشار "روشنفکران تقلبی" در سال ۲۰۱۱ دشواری های بیشتری داشتم. و از آن زمان، برای بسیاری از رسانه ها، شخص نامطلوب به شمار می آیم».

اسلام هراسی، بهترین پروپاگاندا

سپس، طنینی وجود دارد که یک استاد دانشگاه و کارشناس آگاه اوضاع منطقه (با حفظ هویت) با واژه هائی ساده بازتاب می دهد: بحث و جدل درباره لائیسیتته طرح لایحه درمورد «جدائی*» را تغذیه می کند که جریان های سیاسی (به ویژه «بهار جمهوری خواه»، که به آن برمی گردیم) به آن دامن زدند. «بین تهاجم علیه هواداران فلسطین در فرانسه و تهاجم علیه حجاب و مسلمانان ارتباطی وجود دارد. در نهایت، افراد واحدی هستند که اسلام هراسی را توسعه می دهند و به طور متناقضی مناقشه اسرائیل-فلسطین را به فرانسه صادر می کنند».

پس، برای محافل نفوذ طرفدار اسرائیل، این یک موفقیت ارزش ها نیست، بلکه یک پیروزی دست کم نسبی است. با تبلیغات

بی ارزش بسیاری از سایت های اینترنتی اسرائیلی فرانسوی زبان

، نظیر JSSNews, Le Monde Juif.info, dreuz.info که جعل خبرکرده و اخبار را تحریف می کردند، و به ستوه آوردن و دروغ متوسل می شدند، فاصله بسیار داریم. علیه «عرب» و «مسلمان»، نباید کوتاه آمد.

اما، فعالیت این سایت های زیر نفوذ جماعت فرانسه زبان اسرائیل، به طور محدودی بین خود شان انجام می شود. تقریباً ۵۰ هزار یهودی فرانسوی تبار در شهرک های مستعمره زندگی می کنند و بخشی از آن ها در خانه های دارای تهویه هوا و محصور با تورهای سیعی سخت دلتنگ می شوند. آن ها شبکه های اجتماعی را از «خبرهای» مربوط به اسرائیل پر کرده اند، و آن ها را با لحنی آزاردهنده، به تکرار پخش می کنند. برای مثال، در سال ۲۰۱۴، شایع کرده بودند که محمد ابو خدیر جوان را، خود فلسطینی ها کتک زده و زنده زنده سوزانده اند، در حالی که او را کولون ها [مستعمره نشینان] اعدام کرده بودند.

جاذبه START UP NATION

حتی بیشتر از آن، از چهارسال پیش، نمایندگان مجلس و منتخبان شوراهای شهری و استانی – از جمله آن هیدالگو شهردار پاریس (چندین بار)، از اسرائیل دیدار کرده و عکس های زیبایی که گواه عشق آن ها نسبت به مکان های مورد بازدید است در سایت های خودشان یا روزنامه های تبلیغاتی انتخاباتی منتشر می کنند، یا سفر گروه های خبرنگار که با توجه به نفوذ غیرقابل انکارشان انتخاب شده اند، که بعداً خواهیم دید، و شاید و به ویژه مدیران شرکت ها نشان می دهند که روابط فرانسه – اسرائیل در حال تغییر است. مسلم است که بحران بهداشتی، به طور موقت بر این ماموریت های اطلاعاتی و سفرهای اکتشافی نقطه پایان زده است. مثلاً، قرار بود در بهار ۲۰۲۰، یک هیئت از مدیران کمپانی های شرق فرانسه را همراهی کنم که سفر به بعد موکول شده است. اما، در اکتبر ۲۰۱۸، ۱۸۵ کارفرمای استان برتانی برای سفری اکتشافی که اتحادیه شرکت های استان «ایل و ویلن» [در غرب فرانسه] سازماندهی کرده بود، وارد تل آویو شد. روزنامه «غرب فرانسه» نوشت که «اسرائیل آن ها را شیفته کرد. در این دیدار از سرمایه گذاری، بازار و نیز جنگ و مناقشه صحبت شد». یکی از کارفرمایان برتانی تعریف می کرد «من در آغاز، کمی نگران بودم، فکر می کردم آن جا کم و بیش جنگ است». چشم اندازها او را شیفته کرده بود، مخاطبان خوش برخورد و هتل ها دلچسب بودند.

بازار اسرائیل کوچک ولی پویاست و حضور اقتصادی فرانسه در آن ناچیز است. هیلن لو گال، سفیر وقت فرانسه در اسرائیل، که تبارش به خانواده ای از موربیان می رسد، از کارفرمایان برتانی در باغ محل سکونتش پذیرائی کرده و آن ها را تشویق کرد که نمونه startup nation را دنبال کرده و دراستان برتانی، «منطقه استارت آپ» بسازند. در برنامه، نه خبری از سیاست است و نه از فلسطین، یا برحسب اتفاق، ارتباطی بین دادوستد و محیط زیست. در سال ۲۰۱۹، همچنین هیئتی از مدیران کمپانی های بزرگ فرانسوی، از جمله رهبران گروه غول پیکر بوئیگ (در قلب بازرگانی و قدرت، شرکت ساختمانی، ارتباطات و رسانه ها) از آن جا دیدار کرد. همه از سفر پاگشائی در زیر و بم استارت آپ نیشن مجذوب برگشتند.

در تل آویو، دیپلماسی اقتصادی کارش را انجام می دهد. شعبه محلی Business France وابسته به وزارت امور اقتصادی ماموریت دارد سرمایه گذاری فرانسه در خارج را همراهی کند، امری که برای امانوئل ماکرون بسیار عزیز است. این اداره مخاطب شرکت هائی است که علاقمندند در اسرائیل توسعه یابند.

از یکی از مدیران شرکت های فرانسوی که سال هاست در اسرائیل فعالیت دارد، در صحبت تلفنی در مورد فلسطین پرسیدم، پاسخ نداد. سوال خود را تکرار کردم. به سکوت ادامه داد. برای سومین بار سوال را تکرار کردم و سپس فهمیدم. او نسبت به این مسئله بی تفاوت است. کمی بعد در گفتگو مسئله را تائید کرد «اقتصاد را سیاست رهبری نمی کند، اسرائیلی هائی هستند که به تجارت مشغولند، فلسطینی هائی هم هستند که به تجارت مشغولند، آن ها کاری با نتانیاهو ندارند، آن ها فقط خواستارند با هم دیگر کار کنند». از یک نماینده مجلس از حزب «جمهوری به پیش» در مورد موضع حزب شان درباره مناقشه اسرائیل-فلسطین سوال کردم، زیرا به نظر می رسد که بین مواضع همکاران او نظیر سیلون مایار، که در «باشگاه اتحادیه متفق» در پاریس در کنار نمایندگان «شهرک های مستعمره» با لبخند ظاهر می شود، و گوندال روئیبار که با استواری با گسترش این شهرک ها مخالفت می کند، تفاوت فاحش وجود دارد. او نیز سکوت اختیار کرد. من سوال خود را دوبار تکرار کردم. او با تکرار «سه نقطه کوچک» ... عدم پاسخ خود را توجیه کرد.

«نمی توان با آنتی سمیتیزم بازی کرد»

این سکوت ها به دیگر نشانه های پیروزی طرفداران اسرائیل در فرانسه شبیه است. کلیمانتین اوتن، نماینده اهالی سن سن دنی از حزب «فرانسه نافرمان» با خشم می گوید: «به نظر می رسد که فلسطین آرمانی است از دست رفته، با درگیر شدن در آن، می

ترسی که به یهودی ستیزی (آنتی سمیتیسم) متهم شوی. این اصلا درست نیست، این کار یک جایش اشکال دارد». باوجود این، افکار عمومی با این ایده توافق ندارد و بر پشتیبانی از فلسطین پافشاری می کند. به موجب یک نظر سنجی موسسه ایفوپ در ماه مه ۲۰۱۸ به سفارش «اتحادیه دانشجویان یهودی در فرانسه»، ۷۱٪ فرانسویان معتقدند «که اسرائیل در عدم وجود مذاکرات با فلسطینی ها، مسئولیت سنگینی دارند». این نکته را کمتر اعلام می کنند ولی ۵۷٪ آن ها «تصویری بد» از اسرائیل داشته و به عقیده ۶۹٪، صهیونیسم «ایدئولوژی ای است که به اسرائیل امکان می دهد سیاست اشغال و ادامه شهرک سازی در سرزمین های فلسطینی خود را توجیه کند». اما، آن ها در مورد این موضوع، کمتر کُنش نشان می دهند، شاید به خاطر هراس از این ملغمه ای است که بین ضدصهیونیسم و آنتی سمیتیسم ایجاد کرده اند و در اذهان بسیار وجود دارد. در واقع برای ۵۴٪ از فرانسویان، «ضدصهیونیسم شکلی از آنتی سمیتیسم (یهودی ستیزی) است».

وانگهی، در این مورد نیز، چنین ترفندی با موفقیت آشکاری روبرو نشده است. «لایحه ی مایار» با الهام از «International Holocaust Remembrance Alliance» (اتحاد بین المللی برای یادمان هولوکاست)، ضدصهیونیسم را بر تعریف آنتی سمیسم تیسیم افزود و لایحه با ۱۵۴ رای موافق در مقابل ۷۲ و ۴۳ رای ممتنع از مجموع ۵۷۷ نماینده به تصویب مجلس فرانسه رسید. ۳۰۰ نماینده که بیشترشان از حزب رئیس جمهور بودند، در رای گیری شرکت نکردند و این کار، نشانه شکاف واقعی در بین آن هاست، به آن خواهم پرداخت. استر بنباسا، سناتور گروه «اروپا اکولوژی سبزها» می نویسد «نمی توان با آنتی سمیتیسم بازی کرد. انتقاد از اسرائیل را از چنگال تبلیغاتی حکومت کنونی اسرائیل درآوریم. یک انتقاد سیاسی، نه به هیچ وجه آنتی سمیت».

اما، نویسنده «یهودی بودن پس از غزه» (سال ۲۰۰۹) که آن زمان در سُنّت و میراث بوپر از خود می پرسید، چگونه «این یهودیان با اسرائیلی شدن چنان دچار فراموشی شده اند که نخستین اصول اخلاقی، ستون یهودی بودن را فراموش کنند؟»، گاهی خود را مزوی حس می کند. تابستان گذشته، او به روزنامه هآرتس گفت «این نکته که من از آرمان فلسطین پشتیبانی می کنم، به این معنی است که محبوب ترین فرد برای یهودیان فرانسه نیستم». استر بنباسا، تاریخ دان، همان قدر از افزایش نژادپرستی در اسرائیل و فرانسه نگران است که از پیشرفت یهودی ستیزی در کشور ما. این که افراد ضعیف النفسی که سال هاست از آبشخور وحشیگری های تجدیدنظرطلبانه ی فعال راست افراطی آلن سورال یا همقطار او، دیو دونه، هنرپیشه کمدی پیشین، اشباع شده اند، بر روی شبکه های اینترنتی و گاهی در خیابان، از ضدصهیونیسمی سخن می گویند که نمی تواند عورت بی ارادگی ضدیهودی آنان را بپوشاند، یک امر بدیهی است.

اما، نکته اشکار دیگری نیز وجود دارد: هرگز، هواداران اسرائیل تا این حد در نهادها و فضای عمومی فعال نبودند. می توان آن را «لابی» نامید یا واژه «محفل های نفوذی» را ترجیح داد، بحث بر سر یک مسئله معناشناختی نیست، بحث کاملاً سیاسی است. به نظر نمی رسد که تندروی فعالیت عمیق «طرفدار اسرائیلی» را در اعماق مجلس شورای ملی یا سنا، یا در شوراهای شهرداری پاریس یا نیس یا شهرهای بزرگ دیگر، اتاق های بازرگانی و تحریریه مطبوعات را خوب سنجیده باشند شده باشد.

پاورقی

۱ - بوند، BUND اتحادیه عمومی کارگران یهودی لیتوانی، لهستان و روسیه (بوند) در سال ۱۸۹۷ در ویلنیوس تاسیس شد. این سندیکا ضدصهیونیست، لائیک و سوسیالیست بود و در بین دو جنگ جهانی، نقش مهمی در لهستان ایفا کرد. برای اطلاع بیشتر، می توانید به کتاب زیر مراجعه کنید:

Le Yiddishland révolutionnaire, d'Alain Brossat et Sylvia Glinberg, Syllepses, Paris, ۲۰۰۹.

توضیح مترجم:

* اشاره به لایحه موسوم به «جدائی» از جمهوریت است. دولت فرانسه هدف از تهیه این لایحه را مبارزه با جداشدن جماعت ها و فرقه های مذهبی و تعرض به شهروندی اعلام کرده است. دولت فرانسه می گوید که این لایحه قانونی جهت پاسخ به انزوای جماعتی و توسعه اسلامیسیم رادیکال و تحکیم احترام به اصول جمهوری خواهی و تغییر قوانین کیش ها در فرانسه تدوین شده است. این لایحه با اعتراض زیادی از جمله از طرف احزاب چپ مواجه شده و هنوز به تصویب نرسیده است.

جان اشتون

روزنامه نگار سابق «لیبراسیون» و «تریبون» و همکار نشریه عفو بین المللی

منبع:

<https://orientxxi.info>

